

بسم الله الرحمن الرحيم

رسول اکرم فرمودند:

«ای علی، به راستی خداوند تو و دوستان تو را دوست دارد و همانا فرشتگان برای شیعیان تو و دوستان شیعیانت استغفار می‌کنند. هنگامی که قیامت فرارسد، نداکننده‌ای فریاد برآورد: دوستان علی (علیه السلام) کجا هستند؟ گروهی از صالحین به پا خیزند، به آن‌ها گفته شود: هر که را می‌خواهید دستش را بگیرید و وارد بهشت کنید و همانا هر یک از آن‌ها هزار نفر را از آتش نجات می‌دهد.

سپس نداکننده فریاد برآورد: بقیه دوستان علی (علیه السلام) کجا هستند؟ پس گروهی که میانه‌رو بودند برمی‌خیزند، به آنها گفته می‌شود: هر آنچه که می‌خواهید از خدا خواهش کنید، پس به هر کدام از آنها، آنچه را که درخواست کند عطا نمایند.

سپس نداکننده صدازند: بقیه دوستان علی (علیه السلام) کجا هستند؟ گروهی که گنه‌کار هستند و به خود ظلم کرده‌اند، برمی‌خیزند. آن وقت گفته می‌شود: دشمنان علی (علیه السلام) کجا هستند؟ جمعیت بسیاری برمی‌خیزند، سپس در مقابل هر یک از دوستان علی (علیه السلام)، هزار نفر از دشمنان علی (علیه السلام) را قرار می‌دهند و اعمال خوب دشمنان را به اعمال دوستان علی (علیه السلام) اضافه می‌کنند و آنها نجات پیدا می‌کنند»^[۱]

هستی تمام خلقت روی دوستی امیرالمومنین (علیه السلام) می‌گردد. آن کسی که علی (علیه السلام) را قبول نداشته باشد، غاصب است؛ چون خدا می‌گوید: اگر عبادت انس و جن کنی و علی (علیه السلام) را به «اليوم اكملت لكم دينكم»^[۲] قبول نداشته باشی، تو را به رو به جهنم می‌اندازم. پس عبادت بی‌دوستی علی (علیه السلام)، غصب است و فایده‌ای ندارد.

- ۱ پیشگفتار
- ۲ تذکر ولایت
- ۳ قدردانی از شیعه
- ۴ شرایط شیعه
- ۵ تذکرات
- ۶ کلام آخر
- ۷ ارجاعات

پیشگفتار

رفقای عزیز!

این کتاب خصوصی نیست، عمومی است. به عموم کسانی که این کتاب را می‌خوانند ابلاغ می‌کنم. من آخر عمرم است، هیچ مقصدی نداشتم و ندارم؛ مگر اینکه پیام حضرت زهرا (علیها السلام)، پیام امام زمان (عج الله فرجه) و پیام امیرالمومنین (علیه السلام) را به شما ابلاغ کنم.

همانطور که قرآن مانند ندارد، کلام ائمه طاهرین (علیهم السلام) هم مانند ندارد. من همیشه کلام این‌ها را به شما گفته‌ام. اگر حرفی از این‌ها بهتر سراغ دارید به من بگویید، من قبول می‌کنم؛ اما می‌دانم که نیست.

وعاظ محترم! گویندگان محترم!

خطیب نباشید. حرفی بزنید که به درد مردم بخورد. حرفی بزنید که مردم را نجات بدهد. حرفی بزنید که موجب هدایت مردم باشد؛ نه مثل آن گوینده‌ای که ده شب در مسجدی سخنرانی کرد و آخر کار، بانی مجلس، مبلغ ناچیزی به او داد! پرسید: چرا؟ جواب داد: تو ده شب روی منبر روزنامه خواندی، حرف خدا و پیامبر و اسلام نزدی.

به جای حرف خدا و پیامبر، روی منبر روزنامه نخوانید؛ دریا در آمریکا طغیان کرده!

طوفان در فلان جا چه کرده ...

اگر شما حرف خدا و پیامبر را نزنید، منبر را چوب کرده‌اید. شما باید چوب را منبر کنید، نه منبر را چوب! چون که حضرت سجاد (علیه السلام) فرمود: یزید! بروم بالای چوبها؟! چون روی منبر یزید، حرف خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) زده نمی‌شد.

شما باید حرفهای حضرت زهرا (علیها السلام) و امام زمان (عج الله فرجه) و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را افشا کنید، نه اینکه افشاکن نقل و خبر باشید.

وعاظ محترم! گویندگان محترم!

اگر غیر از این حرفهای این کتاب حرفی بزنید، شما خطیبید! به تمام آیات قرآن، این کتاب، عنایت ولی الله الاعظم، امیرالمؤمنین، امام المبین، یعسوب الدین، حجت خدا، وصی رسول الله و القای حضرت زهرا (علیها السلام) است که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «ما حجتیم از برای تمام خلقت، مادرم زهرا، حجت است از برای ما» به تمام آیات قرآن، این کتاب، حجت است برای شما!

اگر غیر از این حرفها را به مردم بگویید، شما مردم را سرگردان کرده‌اید.

امانت‌دار باشید. این کتاب را از اول تا آخرش به مردم بگویید، نه اینکه فقط قسمتی از آن را بگویید تا مقصد خودتان را در آن پیاده کنید. بدانید که خدا آگاه است. بدانید امام زمان (عج الله فرجه) از مقصد شما خبر دارد. بترسید از خدا و امام زمان (عج الله فرجه). بس کنید! این کتاب، عصاره روایت و حدیث است. خواهش می‌کنم از این کتاب به مردم بگویید، بایگانی نکنید.

ای کسانی که این کتاب را می‌خوانید، مبدا چند صفحه بخوانید و بایگانی کنید. به دینم قسم، اگر اینطور باشد، اسلام شما و ولایت شما بایگانی می‌شود. آن دو نفر، اسلامشان بایگانی شد، حرف امیرالمؤمنین (علیه السلام) را کنار گذاشتند، حرف خودشان را زدند، ولایت را بایگانی کردند.

به تمام آیات قرآن، این کتاب، حجت را بر شما تمام کرده است. فردای قیامت در پیشگاه اقدس الهی می‌گوییم: خدایا! من امر زهرای عزیز (علیها السلام) و امر ولی

الله الاعظم امام زمان (عج الله فرجه) را گفتم، این خطبا حرفهای دیگری زدند. خدایا، خودت بین ما حکم کن.

تذکر ولایت

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: بعد از من، امت من هفتاد و دو فرقه خواهند شد. بعضی از مورخین نوشته‌اند: دوازده فرقه. بعد فرمود: تنها یک فرقه از اینها ناجی‌اند. بقیه را کنار زد.

سوال شد: ناجی کیست؟ فرمود: کسانی که دوازده امام، چهارده معصوم (علیهم السلام) را قبول داشته باشند، ما را حجت خدا بدانند و بدانند که خدای تبارک و تعالی ما را مدیر عامل خلقت قرار داده است؛ طوری قرار داده که اگر ما نباشیم در هر زمانی، عالم فروریزان می‌شود. پس تمام این عالمی که سرپاست، الان به واسطه وجود مبارک امام زمان (عج الله فرجه) است. همانطور که در زمان امیرالمومنین (علیه السلام) به واسطه آن حضرت بود و در زمان هر امامی به واسطه آن امام بود.

شما اگر مطیع رسول الله هستید که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌گوید پیروی از امیرالمومنین (علیه السلام) بکنید. چرا از خلق پیروی می‌کنید؟ پیروی از خلق، گمراهی است؛ پیروی از علی (علیه السلام)، هدایت است. بارها گفته‌ام آیا کسی بهتر از امیرالمومنین (علیه السلام) سراغ دارید؟

چه کسی خورشید را برگردانده؟ چه کسی یک نفسش افضل از عبادت ثقلین است؟ چه کسی یک ضربه شمشیرش از عبادت ثقلین افضل است؟ چه کسی هنگام مرگ، بالای سر همگان حضور دارد؟ چه کسی در قبر سفارش شما را به نکیر و منکر می‌کند؟ درباره چه کسی خدا فرموده: اگر عبادت ثقلین بکنی و امیرالمومنین علی را به «**الیوم اکملت لکم دینکم**»^[۲] قبول نداشته باشی تو را به رو به جهنم می‌اندازم؟

این همه خداوند درباره امیرالمومنین (علیه السلام) سفارش کرده است، آیا تو تکذیب می‌کنی؟ چرا دنبال غیر از علی (علیه السلام) می‌روی؟ مگر عقل نداری؟ تفکر داشته باش. علی (علیه السلام) هدایت است، خلق جنایت است. اینکه

علی (علیه السلام) را در خانه گذاشتند و دنبال خلق رفتند، از جنایتشان بود که خدا افشایشان کرد و فرمود: مرتد و کافرند. تو دنبال چه کسی می‌روی؟!

به آن‌ها گفته مرتد و کافرند، تو هم که امر امیرالمومنین علی (علیه السلام) را قبول نداری، مشابه آنهایی. امر فرق نمی‌کند، آن‌ها در آن زمان بوده‌اند، تو در این زمان هستی. زمان فرق می‌کند. کم و زیاد می‌شود؛ اما امر فرق نمی‌کند. امر خدا در تمام زمانها وجود مبارک دوازده امام، چهارده معصوم (علیهم السلام) است.

ائمه طاهرین (علیهم السلام) یک نور هستند، جزء خلق نیستند. چرا؟ هیچ جا نداریم، نمی‌گویند اگر عیسی نباشد یا موسی نباشد یا ابراهیم نباشد، تمام خلقت فروریزان می‌شود. هیچ جا نداریم. من اغلب کتب را در نظر دارم. اگر شما خبر تازه‌ای دارید، من انعام می‌دهم. ما همه صد و بیست و چهار هزار پیامبر را قبول داریم؛ اما هیچ‌کدام را خداوند تبارک و تعالی نفرموده، تا حتی ابراهیم را، که اگر نباشد عالم فروریزان می‌شود. می‌فرماید: اگر حجت نباشد، عالم فروریزان می‌شود.

«ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلموا

تسلیم»^[۳] خداوند متعال می‌فرماید: همه شما باید تسلیم پیامبر باشید. نه تنها زمینی‌ها که به آسمانها هم اشاره می‌شود. ای ملائکه! تسلیم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شوید. حالا که همه تسلیم شدند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای ما سنت آورده است. نماز، روزه، زکات و... ما باید تمام اینها را بپذیریم. حالا که اینها را پذیرفتی، خداوند تبارک و تعالی یک امر دارد. درباره پیامبر می‌فرماید: «وما ینطق عن الهوی، إن هو إلا وحی یوحی، علّمه شدید القوی»^[۴] یعنی هر چه می‌گویند، از جانب خدا می‌گویند.

همان‌طور که می‌دانیم بعد از صد و بیست و چهار هزار پیامبر، به پیامبر آخرالزمان قرآن نازل شده است. خود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جسمش خیلی مبارک است؛ اما امرش مبارک‌تر است، امر او واجب است.

حالا که ذره‌ای درباره معرفی علی (علیه السلام) کندی شد، می‌فرماید: هیچ کار نکرده‌ای. «یا ایها الرسول بلّغ ما أنزل إليك من ربّک وإن لم تفعل فما بلّغ رسالت»^[۵] یعنی اگر این کار را نکردی، رسالت را ابلاغ نکرده‌ای.

پس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به امر خدا علی (علیه السلام) را معلوم کرده است. حالا می‌فرماید: «الیوم اکملت لکم دینکم وأتتمت علیکم نعمتی»^[۲] یعنی امروز دین شما کامل شد؛ علی (علیه السلام) ، دین است!

رسالت قبول است، محترم است. روزه، نماز، زکات و . . . احکام است. اما اصل رسالت، قبولی ولایت است. درباره آنهایی که قبول نکردند فرمود: مرتد و کافرند. هر کس می‌خواهد باشد این عمومی است، خصوصی نیست.

خداوند متعال می‌فرماید: هر کس علی را به «الیوم اکملت لکم دینکم»^[۲] قبول نکند، به عزت و جلالم! اگر به اندازه همه جن و انس عبادت کند، او را به رو به جهنم می‌اندازم. حالا همین‌طور که آیه «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی»^[۳] برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد، خود امیرالمومنین (علیه السلام) هم امر دارد. خود علی (علیه السلام) در جنگ صفین می‌فرماید: «أنا قرآن الناطق» یعنی کلام من، قرآن است.

قدردانی از شیعه

پس همان‌طور که می‌فرماید باید تسلیم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بشوید، باید تسلیم علی (علیه السلام) بشویم، حالا کسی که تسلیم علی (علیه السلام) هست شیعه است، کس دیگری تسلیم علی (علیه السلام) نیست.

از طرفی خداوند متعال می‌فرماید: من اعمال متقی را قبول می‌کنم؛ چون متقی تسلیم علی (علیه السلام) است. همین‌طور اصحاب یمین؛ چون تسلیم علی (علیه السلام) هستند؛ چون بی‌علی (علیه السلام) اعمال قبول نیست.

حالا همین‌طور که خداوند تبارک و تعالی حمایت از وجود مبارک امیرالمومنین (علیه السلام) می‌کند، همین‌طور الان حمایت از وجود مبارک ولی الله الاعظم امام زمان (عج الله فرجه) می‌کند. (گرچه به ظاهر غایب است؛ اما امر او حاضر است) و همین‌طور از شیعه حمایت می‌کند.

شیعه خیلی مقام دارد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: اگر هر کس شیعه ما را دوست نداشته باشد و بگوید ما را دوست دارد، دروغ گفته است؛ اول باید

شیعه ما را دوست داشته باشد. همچنین خدای متعال می‌فرماید: اگر کسی توهین به یک شیعه و مؤمن کند، خانه مرا خراب کرده است. پس اگر شما شیعه واقعی شدى، هم خدا و هم امام، شیعه را تأیید می‌کند؛ اما شیعه‌گی شروط دارد که هر کسی ادعای شیعه‌گی نکند. شیعه باید مثل شاه عبد العظیم حسنى و اویس باشد، نه اینکه هر کسی بگوید من شیعه‌ام! **شرط شیعه‌گی این است: ولایت، عدالت، سخاوت.**

امام رضا می‌فرماید:
«قال الله تعالى: كلمة لا اله الا الله حصنى فمن دخل حصنى امن من عذابي، بشرطها و شروطها و انا من شروطها»
یعنی اصل، ولایت است.

عالم برجسته‌ای سؤال کرد: اینکه می‌فرماید: اگر علی (علیه السلام) را قبول نداشته باشی به «اليوم أكملت لكم دينكم»^[۲] به رو به جهنم می‌اندازم، این به رو انداختن، یعنی چه؟ گفتم یعنی آبرو ندارد. کسی آبروی دنیا و آخرت دارد که ولایت دارد. تمام ارزش بشر به ولایت است.

پس خداوند تبارک و تعالی حمایت از امیرالمومنین (علیه السلام) می‌کند؛ اما به واسطه علی (علیه السلام) حمایت از شیعه می‌کند.

اینکه چرا اینقدر شیعه احترام پیدا کرده است؛ چون تولى و تبرى دارد. چون امام صادق (علیه السلام) فرمود: دین، تولى و تبرى است؛ یعنی باید از دشمنان علی (علیه السلام) بدمان بیاید و از دوستان ایشان خوشمان بیاید.

روایت صحیح داریم که اگر کسی پدرت را کشت، اگر علاقه‌ای با امیرالمومنین (علیه السلام) دارد باید او را عفو کنی؛ هرچند پدر تو را کشته باشد. پس معلوم می‌شود اصل دین، تولى و تبرى است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وقتی می‌خواست از دنیا برود، فرمود: دو چیز بزرگ می‌گذارم: قرآن و عترت. حالا شیعه باید هم عترت را و هم قرآن را قبول کند؛ اما بعضی گفتند: «حسبنا كتاب الله»؛ یعنی ما فقط کتاب خدا را قبول داریم. حالا می‌فرماید: اینها مرتد و کافرنند.

پس، نباید جزء اینها باشیم که مرتد و کافر باشیم. ما باید طبق فرمایش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم قرآن و هم عترت را قبول کنیم. چون عترت و قرآن توأم با هم هستند.

از آنچه که روی زمین و آسمانها است، مصداق این فرمایش امام صادق (علیه السلام) نداریم که می‌فرماید: اگر ما نباشیم، زمین اهلش را فرو می‌برد یا در جای دیگر می‌فرماید: ما حجتیم از برای خلقت، مادرم زهرا (علیها السلام) حجت است از برای همه ما. خدا در حدیث کساء می‌فرماید: من تمام خلقت را به واسطه اینها خلق کردم.

حالا کار شیعه آنقدر بالا می‌گیرد که حضرت می‌فرماید: هر کس لقمه‌ای به دوست ما داد، ثواب حج واجب و عمره به حساب او نوشته می‌شود. هر کس او را یاری کرد ما را یاری کرده، یا می‌فرماید: هر کس او را دوست نداشته باشد، دروغ می‌گوید که ما را دوست دارد. همانطور که شیعه، امام را قبول می‌کند، امام هم این همه او را احترام می‌کند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: شیعه‌هایمان را در دنیا پخش می‌کنیم تا به واسطه آنها شهرها و روستاها حفظ شود و باز می‌فرماید: همه اینها را در روز قیامت زیر سایه عرش خدا جمع می‌کنیم.

از طرفی می‌فرماید: زیر سایه دشمنان ما نروید. اگر بروید حق به گردن شما پیدا می‌کنند، حق به گردن شما، حق ماست.

قبولی عبادت، ولایت است و قبولی ولایت، اطاعت است. حالا شیعه باید فرمان امام را ببرد برای خودش مصداق درست نکند. (بعضی مقدس‌ها برای خود مصداق درست می‌کنند) شاه عبدالعظیم حسنی خدمت امام هادی (علیه السلام) می‌رسد و عرض می‌کند: آمده‌ام عقاید را بگویم. می‌فرماید: بگو عزیزم. می‌گوید: واجبات را به جا می‌آورم و ترک محرمات می‌کنم. اگر شما که امام و حجت من هستی، امری سببی یا اناری نصفش حلال است و نصفش حرام، نیمه حلالش را می‌خورم و نیمه حرامش را دور می‌اندازم و پس از این با همین عقیده کنار رفت. چرا؟! چون او به غیر از امام، کسی را واجب الطاعة نمی‌بیند؛ حجت خدا را واجب الطاعة می‌داند. حالا خدا به او عظمت می‌دهد. می‌فرماید: هر کس شاه عبدالعظیم

حسنى را زيارت كند، امام حسين (عليه السلام) را زيارت كرده. چون امر امام را زيارت كرده است. رفقاى عزيز! من هم دلم مى‌خواهد شما اينطور باشيد. امر وجود مبارك حجت بن الحسن، امام الانس و الجن (عج الله فرجه) را اطاعت كنيد تا شاه عبدالعظيم حسنى بشويد. **اطاعت يعنى چه؟! اطاعت يعنى گناه نكنيد.** امام صادق (عليه السلام) مى‌فرمايد: شما عضو مائيد، هر وقت گناه كرديد جدا مى‌شويد.

خداوند تبارك و تعالى مى‌فرمايد: اگر رفيقى داشته باشى كه مرا در ياد تو آورد، اگر با او بسازى، قصرى به تو مى‌دهم كه خلق اولين و آخرين را در آن جاى دهى. رفقاى عزيز! بياييد رفيقى بگيريد كه خدا آن قصر را به شما بدهد. رفقاى عشقى و خيالى را از سرتان بيرون كنيد.

رفقاى عزيز! من نزديك به هشتاد سال دارم، به مرگ نزديكم، خيلى توجهم به شما رفقااست. شما كه اين كتاب را مى‌خوانيد دلم مى‌خواهد شما هم مثل شاه عبدالعظيم حسنى بشويد.

طبق روايت، شيعه‌اى كه پيرو چهارده معصوم (عليهم السلام) شد، خداى تبارك و تعالى به او سمت مى‌دهد. مى‌فرمايد: اگر شيعه‌اى در شهرى باشد آن شهر ايمان است. همانطور كه امام رضا (عليه السلام) به زكريا مى‌فرمايد: زكريا در قم بمان تا قم به واسطه تو حفظ شود.

شما اگر ولايت را حفظ كردى؛ يعنى چهارده معصوم (عليهم السلام) را حفظ كردى، خداوند تو را حفظ مى‌كند. تو بايد چهارده معصوم (عليهم السلام) را در وجودت حفظ كنى.

در روايت ديگر آمده است: شخصى نزد امام صادق (عليه السلام) آمد و عرض كرد: عربى هستم كه از راه دورى مى‌آيم. خيلى دلم مى‌خواهد هميشه خدمت شما برسم چه كنم؟ حضرت فرمود: آيا مى‌خواهى جمع ما را زيارت كنى؟ آن شخص گفت: چه از اين بهتر! حضرت فرمود: در همان حوالى شخصى را پيدا كن كه ما را قبول دارد و اميرالمومنين (عليه السلام) را به «اليوم اكملت لكم دينكم»^[۲] قبول دارد، به ديدن او برو. ديدن او ثواب زيارت جمع ما را دارد.

از من سؤال شد که چطور می‌شود که ثواب زیارت جمع را به او می‌دهند، گفتم: امام، خود نور است؛ اما مؤمن، محبت چهارده معصوم (علیهم السلام) را دارد. ما به واسطه این محبت است که او را زیارت می‌کنیم و الا جسم که چندان مهم نیست؛ پس روایت صحیح است.

شرایط شیعه

چرا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «سلمان منا اهل البیت»؟ یعنی شما می‌توانید آنقدر ترقی کنید که جزء اهل بیت شوید. پس چرا جزء گناه می‌شوید؟ چرا جزء بدعت‌گذار می‌شوید؟ چرا سرپیچی می‌کنید؟ دنیا می‌گذرد.

شما اگر اینجا عضو اینها شدی، آنجا هم عضو هستی. بی‌جهت که خدا به سلمان سلام نمی‌رساند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: شما عضو ما هستید، اگر گناه کنید جدا می‌شوید. به دینم! واللّه! دلم می‌خواهد شما همه سلام الله علیه شوید. من که مقصد دیگری ندارم. من چه احتیاجی به شما دارم؟ من یقین دارم فرمایش آقا امام حسن (علیه السلام) درست است. امام ما است، حجت ما است، می‌فرماید: صبح کردم در حالی که یقین کردم روزی مرا کسی نمی‌خورد و یقین کردم مردن را ... و

بیایید عزیزان من پیرو امام حسن (علیه السلام) شوید. تو اگر یقین کنی، دیگر مال حرام نمی‌خوری. اگر به قیامت یقین کنی، گناه نمی‌کنی و این کارها را نمی‌کنی.

علم الیقین، حق الیقین، یقین. مثل اینکه علم داریم که عالم صانعی دارد. اعتراف هم می‌کنیم که درست است. می‌گوییم بر حق است، عالم صانعی دارد؛ اما یقین نداریم. کجا یقین نداری؟ آن موقع که گناه می‌کنی.

از شرایط شیعه این است که محبت به دنیا نداشته باشد. روایت صحیح داریم که حضرت عیسی (علیه السلام) که به آسمان رفت، از او سؤال شد چه آورده‌ای؟ می‌گوید: سوزن و نخ. همانجا در آسمان چهارم او را نگه می‌دارند.

شیعه باید محبت خدا، قرآن و چهارده معصوم (علیهم السلام) را داشته باشد. شیعه واقعی نباید به قدر سوزن و نخ محبت داشته باشد؛ وگرنه به اوج آسمانها نمی‌تواند برسد.

در جای دیگری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس به عمل قومی راضی باشد، جزء آن قوم است. امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: هر چیزی را دوست داشته باشی با آن محشور می‌شوی. اگر محبت چهارده معصوم (علیهم السلام) داری، با اینها محشور می‌شوی. پس ما نباید محبتی به غیر از اینها داشته باشیم.

اگر دنیا می‌خواهید، باید برای آبرویتان بخواهید، خانه و ماشین و... داشته باشید؛ اما محبتش را نداشته باشید. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «حب الدنيا راس كل خطيئة» اما دنیایی که به غیر از امر باشد. وقتی محبت نداشته باشی تا ندای «جاء الحق وزهق الباطل»^[6] را شنیدی می‌دوی. والله اگر محبت دنیا باشد، نمی‌توانی بگذری. همان طوری که آن شخص صابون فروش با وجود آن همه گریه و التماس که برای دیدن امام زمان (عج الله فرجه) کرد، وقتی باران گرفت، نگران صابون‌هایش شد. حضرت فرمود: صابونی برو دنبال صابون‌هایت. این شخص محبت صابونها را داشت. امام زمان (عج الله فرجه) او را نمی‌پذیرد.

پس دنیا را اگر می‌خواهید، برای آبرویتان بخواهید. اما امر امام را بالاتر بخواهید و منتظر ندا باشید. تمام اینها مثل امانتی است در دست شما. اما صاحب امانت، ولی الله الاعظم (عج الله فرجه) است.

رفقای عزیز! این قدر این در و آن در نزنید و خودتان را گرفتار وام و قرض نکنید. اینها شما را از حقیقت باز می‌دارد. قانع و راضی باشید و باور کنید که امورتان می‌گذرد.

خدا را اگر قبول دارید، می‌فرماید: «والله خير الرازقين»^[V] وقتی این آیه را می‌شنوم، تف به روی خودم می‌اندازم که خدایا، مگر ما تو را قبول نداشتیم که قسم می‌خوری؟ حالا باز هم باور نکرده‌ایم. خودمان را مبتلا می‌کنیم.

تمام بدبختی مردم بعد از رسول الله که گمراه شدند این بود که علی (علیه السلام) را خلق حساب کردند. شما باید از تمام ریشه‌های دلت، از تمام موهای بدنت، از تمام هیكلت، علی (علیه السلام) را «كفواً احد» بدانی؛ یعنی احدی مثلش نیست. این هم خواست خداست، هم خواست حضرت زهرا (علیها السلام) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) است. این همه که سفارش متقی شده است؛ چون امیرالمومنین (علیه السلام) را این‌طور می‌شناسد. یک نگاه در تمام خلقت می‌کند، می‌بیند نه فقط دنیا، آنچه که خدا کرات دارد، کسری‌شان بی‌ولایتی و هستی‌شان ولایت است.

ما اسماً ولایت داریم، نه رسماً! علی (علیه السلام) خواستن مگر شوخی است؟ علی خواستن، مافوق تمام خلقت را خواستن است. مگر علی خواستن این است که تو علی، علی کنی؟ علی خواستن، آخرت خواستن است. علی خواستن، امر خدا را اجرا کردن است. علی خواستن، امر رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) را یقین کردن است. علی خواستن، «هل من ناصر» خدا را قبول کردن است. علی خواستن، ناله‌های حضرت زهرا (علیها السلام) را فراموش نکردن است، جسارت به امیرالمومنین (علیه السلام) را فراموش نکردن است. دائم باید توی این حرفها باشی، آن وقت فرصتی نداری به جای دیگر نگاه کنی.

شما اگر خودت را در مقابل خدا و امام زمان (عج الله فرجه) تقصیر کار بدانی، به تمام آیات قرآن، هم خدا به تو نظر می‌کند، هم امام زمان (عج الله فرجه) و هم حضرت زهرا (علیها السلام)! آن وقت تمام غم و غصه دنیا را از دلت بیرون می‌برد. روایت داریم کسی بود که بیست سفر به مکه رفته بود. خدمت امام هادی آمد و حضرت تمام آن‌ها را رد کرد و فرمود: تو اولاً بیتوته با خدا نداشتی و دیگر اینکه سخی نبودی و این‌ها را از خودت می‌دانستی. این است که تمام این‌ها رد است! پس دسترنجی که از ما صادر می‌شود را باید از خدا بدانیم و بگوییم که او این کار را کمک کرد. من والله شب‌ها می‌گویم: خدایا، اگر من بهشت بروم، تو کردی، تو این حرفها را یاد من دادی، نماز شب را تو یاد من دادی، بیتوته شب را تو یاد من دادی، کمک به فقرا را تو یاد من دادی. پس اگر بهشت بروم، تو کردی!

رفقای عزیز، من شما را دوست دارم. دلم می‌خواهد همه شما اینطوری باشید. آن وقت می‌گویید:

یعنی تو، افراد خدا می‌شوی. حالا امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: اگر او را نخواهی، دروغ می‌گویی که ما را می‌خواهی. خدا هم می‌گوید: اگر به او توهین کنی، خانه مرا خراب کرده‌ای؛ پس شما این همه در مقابل خدا و امام عزیز هستید، چرا گناه می‌کنید؟!

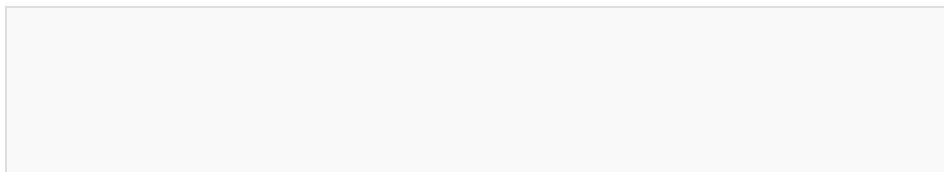
تو اگر واقعاً بخواهی دینت را حفظ کنی، خدای تبارک و تعالی حفظت می‌کند و کمک برایت می‌فرستد، حمایت‌کن پیدا می‌کنی. کس دیگری به غیر از خدا و ولایت به شیطان زور نیست. اگر تو در پناه ولایت آمدی، او شیطان و گناه را از شما دور می‌کند.

شما باید از خطر آخرالزمان مطلع باشید. اگر بخواهید از این خطر حفظ باشید و دینتان محفوظ باشد و خدا و امام زمان (عج الله فرجه) از شما راضی باشند، محکم پی‌کارتان باشید؛ اما از کارتان که فارغ شدید، با این کتاب‌ها و حرف‌ها نجوا کنید.

اگر از خطر آخرالزمان آگاه باشید، گناه نمی‌کنید. خدا حاج میرزا ابوالفضل زاهد را رحمت کند. در تفسیر قرآنش می‌گفت: فوتی که به آتش می‌کنی، از تو سؤال می‌کنند که برای چه این کار را کرده‌ای؟ شما آنجا اقرار می‌کنی که چه کسی دنبال من بوده که همه کارهای مرا بررسی کرده است؟ اگر شما این‌طور مطلع باشید که گناه نمی‌کنید!

من چیزی که بشر را بی‌دین می‌کند به شما می‌گویم، چیزی همه که شما را به اعلی‌درجه می‌رساند می‌گویم. فقط از شما می‌خواهم عمل کنید. این امر خدا و ائمه طاهرين (علیهم السلام) است.

تذکرات



حقیقت در جو این خلقت شما را دعوت می‌کند، غیر حقیقت هم دارد شما را دعوت می‌کند. شما جانم بیا گوش به حقیقت بده. غیر حقیقت، محبت دنیاست. حقیقت، محبت علی (علیه السلام) و اولاد علی (علیه السلام) است.

علی شناختن نشانی دارد: یکی باید سخی باشی، یکی باید دنبال خلق نروی، یکی باید تسلیم امر باشی و گناه نکنی.

من دلم می‌خواهد شما انسان کامل شوید. انسان کامل احتیاج به هیچ چیز و هیچ کجا ندارد. فقط احتیاج به خدا و امام زمان (عج الله فرجه) دارد، احتیاج به بیتوته شب دارد. کدامتان بیتوته شب دارید؟ بیایید توبه کنید و وارد امر ولایت شوید، نه وارد امر خلق!

شهوت همیشه دنبال بشر است؛ نگاه برانگیخته‌اش می‌کند. بشر تا تصفیه نشده است گناه می‌کند. ما باید تصفیه بشویم. **تصفیه، دائم الحضور ولی الله الاعظم (عج الله فرجه) است؛** آن وقت گناه نمی‌کنید، وگرنه گناه می‌کنید. والله، بالله، امام زمان (عج الله فرجه) به من گفت: این‌ها اهل دنیا شده‌اند؛ اما به دنیا نمی‌رسند، یا فرمود: این‌ها مسموم شده‌اند. یعنی چه؟ یعنی امام زمان را فراموش کرده‌ایم. چرا امام زمان ما را تأیید نمی‌کند و تکذیب می‌کند؟! ما گناه می‌کنیم. اگر تصفیه بشوید، دیگر گناه تویتان نیست؛ یعنی همیشه به فکر هستی که مردم را هدایت کنی یا به مردم سخاوت کنی و دائم الحضور. اگر دائم الحضور شدی، در حضور امام زمان (عج الله فرجه) که دیگر گناه نمی‌کنی! **ما دائم الفسادم، نه دائم الحضور!** آن هفتاد هزار نفر که گمراه شدند، حضور امیرالمومنین (علیه السلام) نبودند و در حضور آن دو نفر رفتند. چرا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به سلمان می‌گوید: «سلمان منا اهل البيت»؟ چون دائم الحضور بود؛ یعنی هم گناه نکرد و هم پیرو آن دو نفر نبود. در آخرالزمان هم می‌گوید: اگر یک نفر با دین از دنیا برود، ملائکه آسمان تعجب می‌کنند. عزیزان من، بباید ما هم دائم الحضور امام زمان (عج الله فرجه) باشیم، نه دائم الفساد، تا با دین از دنیا برویم.

محبت امام حسین، فرستنده تمام خلقت است؛ یعنی در هفت آسمان هر کسی که آن را ندارد، ناقصی دارد! «یا ثارالله و ابن ثاره». تو اگر محبت خون خدا را نداشته باشی، کسری داری. خدا به تمام این خلقت نظاره کرد، به هفت آسمان، به تمام کرات عالم و به همه جا نظاره کرد، به هیچ‌کس نگفت که این خون من است. می‌گوید حسین (علیه السلام)، خون من است. پس تمام خلقت، در مقابل امام حسین (علیه السلام) کسری دارند؛ مگر قبولی امام حسین (علیه السلام) داشته باشند.

همانطور که صحنه محشر پیش حضرت زهرا (علیها السلام) جمع می‌شود و شما را نجات می‌دهد، من هم از زمان بعد از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) جلوی چشمانم جمع شده است. کشتن امام حسین (علیه السلام)، جلوی چشم من است، زدن زهرا (علیها السلام) جلوی چشم من است. آن قدر به این‌ها نزدیکم که هنوز ناله‌های زهرا (علیها السلام) توی گوش من است، «یا ابتا» پیش توی گوش من است، «هل من ناصر» امام حسین (علیه السلام) توی گوش من است. همه این‌ها هست تا زمان رجعت که امام زمان (عج الله فرجه) احقاق حق کند. متقی آن موقع غم و غصه از دلش بیرون می‌رود؛ وگرنه دائم ناراحت است.

متقی، انتظار الفرج دارد. دلم می‌خواهد همه شما متقی بشوید و انتظار رجعت داشته باشید، نه انتظار دنیا. امیرالمومنین (علیه السلام) می‌گوید: دنیا، مثل استخوان خوک در دهان سگ خوره‌دار است؛ البته در جای دیگر می‌فرماید: یک ساعت دنیا را به صد سال آخرت نمی‌دهم. چرا؟ اصحاب امام حسین (علیه السلام) در همین دنیا اینقدر درجه پیدا کردند که امام زمان (عج الله فرجه) می‌گوید: پدر و مادرم به قربانتان! این‌ها امر امام حسین (علیه السلام) را اجرا کردند. بیایید رفقای عزیز، ما هم امر امام زمان (عج الله فرجه) را اطاعت کنیم تا به این درجه برسیم.

من اصلاً از اول عمرم خوشی ندیدم که دنبالش بروم. فهمیدم که خوشی‌های دنیا خیالی است. خوشی آن است که دست از اهل بیت برداری، خوشی آن است که زیر سایه امام زمان (عج الله فرجه) باشی، خوشی آن است که با خدا و امام زمانت حرف بزنی، خوشی آن است که سخاوت داشته باشی؛ چون سخاوت امر خداست. من با کسی که سخی نباشد، می‌سازم؛ اما از او خوشم نمی‌آید؛ چون امر خدا از او صادر نمی‌شود. من واللّه، به دینم و به علی (علیه السلام) قسم، اصلاً از خمس، رد مظالم و صدقه مصرف نمی‌کنم. تا الان رزقم را خدا داده است. خدا می‌گوید: «واللّٰه خیر الرّٰزقین»^[۷] به عمرم دستم را جلوی کسی دراز نکردم. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: کسی که دستش را جلوی خلق دراز کند از ما نیست؛ چون خلق خودش محتاج است.

هیچ کسی را شریک رزق خدا قرار ندهید. خدا قسم می‌خورد که «واللّٰه خیر الرّٰزقین»^[۷] من رزقتان را می‌دهم. برای چه دنبال مردم می‌روی؟ این دستی که خدا به تو داده باید از خدا چیز بخواهی، نه از خلق! به حضرت عباس، اگر این حرف را عمل کنی، نه اینکه بهشت بروی، در بهشت هستی.

آسوده خاطرم که در دامن توام	دامن نبینم که در دامنش روم
دامن به غیر دامن تو بی‌محتوا بود	دامان توست اتصال به ماوراء بود

تفکر آن است که زیر این آسمان هیچ کسی را نخواهی مگر آنکه پیرو علی (علیه السلام) باشد. تفکر، گول نخوردن است. شما گول می‌خورید که اهل دنیا می‌شوید. تفکر؛ یعنی بشر در فکر آخرت باشد، نه اینکه دنبال دنیا برود. این تفکر است که خدا و پیامبر و ائمه (علیهم السلام) تأیید کرده‌اند. «حب الدنيا، راس کل خطیئة». آن‌ها دنیا را تکذیب کردند؛ ولی ما دنبال دنیا و مردم دنیا و تجملات دنیا می‌رویم.

ما باید رضایت امام حسین (علیه السلام) را به جا بیاوریم. امام حسین (علیه السلام) تا آخرین لحظه می‌گفت: «هل من ناصر»؛ یعنی بیاوید مرا کمک کنید. **کمک به امام حسین (علیه السلام)، امر امام حسین (علیه السلام) را اطاعت کردن است.** امر امام حسین (علیه السلام)، گناه نکردن و سخاوت است؛ اما سخاوت را نباید به دشمنان علی (علیه السلام) داد. سخاوت را باید به دوستان علی (علیه السلام) و دوستان خدا بدهید. آن سخاوت قبولی دارد. هر سخاوتی که قبول نیست.

آن‌ها جمع شدند امام حسین (علیه السلام) را شهید کردند، شما جمع بشوید امر امام حسین (علیه السلام) را اطاعت کنید. اصحاب امام حسین (علیه السلام) امرش را اطاعت کردند که امام زمان (عج الله فرجه) می‌فرماید: پدر و مادرم به قربانتان. این حرف‌ها امر آنهاست. این حرف‌ها باید شما را نگه دارد. با این حرف‌ها باید این آشغال‌کارها را دور بیندازید و خنثی کنید. به تمام آیات قرآن، این حرف‌ها با تمام حرف‌های باطل دنیا مبارزه دارد؛ اما پیروز است! من دلم می‌خواهد شما پیروز شوید. هنوز معلوم نیست ما پیروز شویم. **چرا پیروز نمی‌شویم؟ چون مهر دنیا داریم.** «حب الدنيا، رأس كل خطيئة» از هر گناهی بالاتر است.

شما اگر می‌خواهید به زهرا (علیها السلام) محرم شوید، باید دوست علی (علیه السلام) باشید، نه دشمن علی (علیه السلام). **دوست علی (علیه السلام) باید به تمام گناهان نامحرم باشد**، آن وقت فاطمه زهرا (علیها السلام) شما را می‌پذیرد.

هر چیزی موفقیت می‌خواهد. توفیق گناه نکردن، امر امام زمان (عج الله فرجه) را اطاعت کردن است.

چرا با خدا حرف زدن اینقدر خوب است؟ چون یقین داری امام زمان (عج الله فرجه) و خدا هست؛ یعنی داری با هستی حرف می‌زنی. این‌ها هستی عالم هستند! هستی تمام خلقت، خداست؛ نگهداری تمام خلقت، الان وجود مبارک امام زمان (عج الله فرجه) است. چرا؟ می‌فرماید: اگر حجت نباشد، عالم فروریزان می‌شود. هر کدام از ائمه (علیهم السلام) در زمان خودشان این‌طور بوده‌اند؛ یعنی نگهداری خلقت را داشته‌اند که اگر نباشند، عالم فروریزان می‌شود؛ اما خالق تمام خلقت خداست.

وقتی امام رضا (علیه السلام) به سمت طوس می‌رفت، آهویی در بند صیاد بود که تا حضرت را دید، گفت: «السلام علیک، یابن رسول الله، یابن امیرالمومنین، یابن فاطمة الزهرا» آقا جان، من دو تا بچه دارم که آن‌ها منتظر من هستند و دو شبانه‌روز است چیزی نخورده‌اند. مرا از دست این صیاد نجات بده! این آهو دارد با امام رضا (علیه السلام) حرف می‌زند، تو با چه کسی حرف می‌زنی؟ به حضرت عباس، جگر من از دست بیشتر شما خون است.

امام رضا شترش را گرو گذاشته تا آهو را آزاد کند، تو چه گرو گذاشتی؟ کجا می‌روی زیارت امام رضا (علیه السلام)؟ مگر تو امام رضا (علیه السلام) را می‌شناسی؟ حالا آن دو بچه آهو گفتند: واللّٰه، نخوریم شیر، تا نبینیم رخ امام رضا را. آن‌ها از روزی‌شان گذشتند که امام رضا (علیه السلام) را ببینند، آن وقت تو مال حرام می‌خوری؟! تو را چه به امام رضا؟ حالا باید بروی تلویزیون و ماهواره را ببینی، بدبخت بیچاره! امام رضا (علیه السلام) جواب سلام برادر خودش را نداد. گفت: تو اسماً برادر من هستی، چرا طرفداری از دشمنان علی (علیه السلام) می‌کنی؟ تو هم چرا بچه‌ات بد است، طرفداری‌اش را می‌کنی؟ تو را چه به امام رضا؟

واجبات، ترک محرمات، انتظار الفرج، به خیر و شر مردم شرکت نکن و برو کنار. چرا این را من اینقدر تکرار می‌کنم؟ نجات شما در عمل به این حرف است؛ اما شما فراموش‌کار هستید! پس کنار بروید با انتظار رجعت.

به حضرت عباس، آن را که باید بگویم نمی‌توانم بگویم، دور این حرفها پر می‌زنم؛ چون کسی را نمی‌بینم که بپذیرد. چرا؟ همه جا می‌روید و می‌خواهید ثواب کنید. آخر **ثواب بی‌ولایت که ثواب نیست، گناه است!** روح ثواب، علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. روح ثواب، امام حسین (علیه السلام) و زهرای عزیز (علیها السلام) است. تو اعمالت روح ندارد. چرا؟ گناه می‌کنی. ائمه با گناه مخالفند؛ اما با سخاوت موافقند.

اگر دنیا را به متقی بدهند، راضی نمی‌شود مگر حرفش را بشنوید و عمل کنید. آن وقت شما را دوست دارد. متقی می‌خواهد شما را به هستی برساند. تمام این حرفها به دینم، هستی است. از دست آن‌ها ناراحت هستم که این حرفها را عمل نمی‌کنند، هر کدام این حرفها را که خودشان می‌خواهند عمل می‌کنند، هر کدام را که نمی‌خواهند عمل نمی‌کنند. متقی را دوازده امام، چهارده معصوم (علیهم السلام) معلوم کرده‌اند و گفته‌اند شما پی متقی بروید؛ چون ما کسری داریم و متقی رفع کسری ما را می‌کند؛ ولی ما پی کسی دیگر می‌رویم.

کلام آخر

امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: هر که را دوست داری با او محشور می‌شوی. رفقای عزیز، اینقدر به صفحه ماهواره و تلویزیون و ویدئو نگاه نکنید. می‌بینید، خوشتان می‌آید و با آنها محشور می‌شوید.

ای کاش محبت خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (علیهم السلام) داشته باشید تا با آنها محشور شوید. چرا می‌فرماید در آخرالزمان، هر کس دینش را حفظ کند هم‌درجه با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است؟

من می‌خواهم شما هم‌درجه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باشید. از خدا

بخواهید اینطور شوید که هم دنیا داشته باشید و هم آخرت.

رفقای عزیز! همه این حرفها باید با یقین خوانده شود و الا حرف لوث می‌شود. ما باید یقین به ولایت داشته باشیم، نه فقط حرف ولایت بزنیم؛ اما بعضی‌ها این را سرسری می‌گیرند. اصل یقین است. **کجا یقین نداری؟ آن موقع که گناه می‌کنی.** خدا که گناه را قبول نمی‌کند، اصحاب یمین گناه نمی‌کنند، من انتظار دارم همه شما اینجوری باشید.

زبانی که علی (علیه السلام) دارد، «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» می‌گوید و این حرفها از آن بروز می‌کند؛ اما اگر علی (علیه السلام) نداشته باشی، از تو خلق و پیروی خلق بروز می‌کند. بیا تولید تو ولایت باشد.

رفقای عزیز! بیا بید از این حرفها قدردانی کنید و بهشت بروید. تمام اینها با روایت و حدیث صحیح مطابق است.

یا علی

ارجاعات

1. ↑ بحار الأنوار، ج7، ص 210/مشارق الانوار، ص 155
2. ↑ ۲/۵ ۲/۴ ۲/۳ ۲/۲ ۲/۱ ۲/۰ (سوره المائدة، آیه 3)
3. ↑ ۳/۱ ۳/۰ (سوره الأحزاب، آیه 56)
4. ↑ (سوره النجم، آیه 3)
5. ↑ (سوره المائدة، آیه 67)
6. ↑ (سوره الإسراء، آیه 81)
7. ↑ ۷/۲ ۷/۱ ۷/۰ (سوره الجمعة، آیه 11)